

## (مقاله پژوهشی)

## تحلیل نظریه مشروعیت فارابی در مقایسه با نظریه بروس اکرمین

نادیا مفتونی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۹

## چکیده

نظریات مشروعیت سیاسی با رهیافت‌های متفاوتی مورد بحث و تحقیق قرار گرفته‌اند. فارابی با رهیافتی ویژه خویش مسئله مشروعیت حکومت را مورد توجه قرار داده به‌عنوان فیلسوفی مسلمان از منظر ضابطه محور و توصیه مدار ضمن شرح ساختار مدینه فاضله تنها منبع مشروعیت استیلای سیاسی را وحی می‌داند که از طریق رسانه و هنر در جامعه فاضله منتشر می‌شود. دانشمندان معاصر نیز با رهیافت‌هایی متناسب با زمینه‌های فرهنگی - سیاسی قرون اخیر نظریاتی پیرامون مشروعیت حکومت‌ها ارائه نموده‌اند. بروس اکرمین که نظریه جافتاده ماکس وبر را ناتوان از تبیین تحولات سیاسی-فرهنگی قرن بیستم قلمداد می‌کند، زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی شکل‌گیری قوانین اساسی در قرن بیستم را در نظریه پرداز خود به‌عنوان معیار مورد تحقیق قرار داده است. اکرمین به‌عنوان دانشمند حقوق اساسی از منظر توصیفی همراه با تحلیل تاریخی تحولات فرهنگی - سیاسی قرن بیستم و بیست و یکم، منبع مشروعیت حکومت‌ها را به‌صورت کلی قانون اساسی گرای می‌انگارد. اما بر اساس تفاوت‌های فرهنگ‌ها و ملت‌ها و کشورها، ضمن نقد نظریه مشروعیت ماکس وبر سه سناریو یا الگوی متفاوت برای قانون اساسی گرای قرن بیستم ارائه می‌کند. وی سناریوی اول را قانون اساسی گرای انقلابی، سناریوی دوم را قانون اساسی گرای اصلاحاتی و سناریوی سوم را قانون اساسی گرای نخبگانی می‌نامد. اکرمین برای قانون اساسی گرای انقلابی، قانون اساسی کشورهای هم‌چون فرانسه، آفریقای جنوبی، هند، ایتالیا و ایران را مثال می‌آورد.

**کلیدواژه‌ها:** فارابی، بروس اکرمین، الگوی وحیانی مشروعیت، الگوهای فرهنگی - سیاسی مشروعیت،

قانون اساسی گرای انقلابی

<sup>۱</sup> دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران. Nadia.maftouni@ut.ac.ir

## مقدمه

مسائل پیرامون منبع و منشأ مشروعیت اقتدار سیاسی و حکومت از زوایای مختلفی مورد تحقیق قرار گرفته است.

به عنوان مثال، مشروعیت از حیث کلامی از نگاه فرق گوناگون اسلامی مورد توجه بوده است. در علوم سیاسی و فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق نیز مسئله منبع مشروعیت با بحث‌ها و نظریات متنوعی روبرو می‌باشد. علاوه بر این‌ها، برخی فیلسوفان و حقوقدانان نیز در این مسئله ورود کرده‌اند. فارابی به عنوان یک فیلسوف دارای نظریات سیاسی-اجتماعی-فرهنگی که ساختار حکومتی مدینه فاضله را در آثار مختلف خویش تشریح کرده، جای تحقیق دارد.

یعنی می‌توان مسئله یاد شده را به فارابی عرضه کرد و از دیدگاه وی در خصوص منبع و منشأ مشروعیت استیلای سیاسی جستجو نمود. از دیگر سو، بروس اکرمین<sup>۱</sup> حقوقدان برجسته معاصر از منظر حقوق اساسی به مسئله مشروعیت حکومت‌ها پرداخته و در نظریه<sup>۲</sup> خویش با نظریه ماکس وبر درباره مشروعیت مواجهه‌ای انتقادی داشته است. اکرمین ضمن تشریح نظریه خود حکومت جمهوری اسلامی ایران را نیز مثال زده به تفصیل در یک فصل مستقل و نیز در ضمن سایر فصول مطرح و تحلیل کرده است.

مسئله تحقیق حاضر این است که از فلسفه فارابی که به تفصیل به نظام مدینه فاضله و امت فاضله و معموره فاضله پرداخته، آیا الگوی مشروعیت قابل استخراج است؟ اگر چنین است، کدام مدل یا مدل‌های مشروعیت حکومت از اندیشه فارابی به دست می‌آید؟ همچنین در نظریه بروس اکرمین، چه الگوهایی برای مشروعیت سیاسی مطرح است؟ همچنین رهیافت فارابی و اکرمین را مقایسه خواهیم کرد.

## ۱. الگوی وحیانی فارابی

تدوین الگویی که فارابی در نظریه مشروعیت سیاسی به کار برده است متوقف بر ملاحظه آثار مختلف وی پیرامون مدل یا مدل‌های حکومت است. او دیدگاه‌های عمده خود درباره

<sup>۱</sup> Bruce Ackerman

ساختار اجتماعی - سیاسی مدینه فاضله را در کتاب‌های *فصول منتزعه*، *رساله فی السیاسه*، *آرای اهل مدینه فاضله*، *سیاست مدینه* و *کتاب المله* با بسط و اجمال متفاوتی بیان کرده است. ساختاری که فارابی از نسبت اقشار مختلف جامعه با حکومت به دست می‌دهد در *فصول منتزعه* آمده و مبانی رفتاری که در جزئیات امور باید ملاک عمل حکام با فرودستان و نیز فرودستان با حکام باشد، در *رساله ابی نصر فی السیاسه* که معمولاً آن را به اختصار *رساله فی السیاسه* می‌نامند تشریح شده است. وی خود در ابتدای *رساله فی السیاسه* گفته است قوانین سیاسی را که برای همه طبقات جامعه مفید است، در این رساله شرح می‌دهد. وی آنگاه در این رساله به خصوصیات بایسته مواجهه انسان با افراد مافوق، افراد هم‌ردیف و مساوی، افراد مادون می‌پردازد (فارابی، ۱۹۸۵: ۱۸-۳۴).

اما برای دریافت نظام حکومتی مدینه فاضله در یک طرح کلی، *فصول منتزعه* منبع مهمی به شمار می‌آید. البته همانطور که خواهد آمد، برخی از دیگر آثار فارابی نیز کمابیش مطالبی درباره مشروعیت سیاسی و منبع و مصدر آن دارد.

فارابی در *فصول منتزعه* مدینه فاضله را به پنج گروه عمده تقسیم می‌کند:

عالی‌ترین گروه که جزء نخست مدینه فاضله را تشکیل می‌دهند، رهبری و حکومت را در دست دارند. تحلیل آرای فارابی درباره این بخش از مدینه فاضله، نظریه وی در خصوص مشروعیت سیاسی را به دست می‌دهد. این رهبری از آن اهل حکمت و تعقل است که تصمیم‌گیری در خصوص امور عظام و سرنوشت‌ساز را به عهده دارند. به کمک سایر آثار فارابی نشان خواهیم داد که رهبری حکما و متعقلون اولاً و بالذات بر حکومت پیامبر و فرمانروایان و پادشاهان الهی اطلاق می‌شود.

گروه دوم یا جزء دوم مدینه فاضله، حاملان دین و صاحبان لسان هستند که فارابی خود آن‌ها را به معنای خطیبان، شاعران، نویسندگان، آهنگسازان و مانند این‌ها می‌داند. گروه یا جزء سوم، دانشمندان حساب و هندسه، پزشکی، نجوم و امثال آن‌ها هستند. جزء چهارم شامل مرزبانان و جنگاوران و مجاهدان است و آخرین و پنجمین جزء مدینه فاضله دربرگیرنده اهل کشاورزی، دامداری، تجارت و امثال آن‌ها است (فارابی، ۱۳۸۲: ۵۵).

فارابی رئیس اول مدینه فاضله را در *کتاب المله* تشریح کرده است. او کسی نیست به جز

نبی و حکومت او متکی به وحی الهی است (فارابی، ۱۹۹۱: ۴۴).

علاوه بر این، کسانی که حکومت مدینه فاضله را به دست دارند به صورت مبسوطی در دو کتاب *فصول منتزعه* و *کتاب المله* بیان شده‌اند. البته تفاوتی بین بیان فارابی در این دو اثر به چشم می‌خورد که آن را تفسیر خواهیم کرد. فارابی در *کتاب المله* حکومت را به دو قسم تقسیم می‌کند: ریاست اولی یا نخستین و ریاست ثانیه یا دومین. اصطلاح ریاست تابعه نیز برای ریاست دومین به کار رفته است که نشان می‌دهد این ریاست باید پیرو ریاست نخستین باشد. اصطلاح دیگری که برای ریاست ثانیه استفاده شده، ریاست سنیه است که بیان می‌دارد چنین ریاستی باید از سنت پیامبر تبعیت کند. ابهامی از این حیث در سخنان فارابی وجود ندارد که ریاست اولی منحصر به پیامبر است (فارابی، ۱۹۹۱: ۴۴، ۵۶).

زیرا فارابی در مواضع متعددی در این باره بحث کرده است؛ مثلاً در کتاب *آراء اهل مدینه فاضله* هنگام بیان صفات رئیس اول یکی از آن‌ها را دریافت وحی می‌داند (فارابی، ۲۰۰۳: ۱۱۶-۱۲۱). فارابی در کتاب *سیاست مدینه* نیز رئیس اول را حاکمی می‌داند که به وی وحی می‌شود و در هیچ کاری به راهنمایی و ریاست دیگران وابسته و نیازمند نیست. امت فاضله نیز در همین موضع تعریف شده است. یعنی امت چنین فرمانروایی امت فاضله نام دارد (فارابی، ۱۳۷۶: ۲۰۳).

اما ریاست دومین به رهبری و حکومت کسانی صدق می‌کند که رئیس اول نیستند؛ یعنی پیامبر نیستند و به وحی اتصال ندارند، لکن دقیقاً مطابق با سنت رئیس اول قبلی یعنی پیامبر پیشین حکومت می‌کنند (فارابی، ۱۹۹۱: ۵۶؛ ۲۰۰۳: ۲۵؛ ۱۳۷۶: ۲۰۴).

بنابراین ریاست ثانیه شامل همه کسانی می‌شود که از نظر فارابی به سنت نبی عمل می‌کنند؛ یعنی امام معصوم علیه‌السلام و جانشینان بعدی را دربرمی‌گیرد. روسای ثانیه با اصطلاحات دیگری مانند امام، ائمه حق، ائمه ابرار، ائمه هدی، ملوک افاضل و رؤسای ابرار نیز یاد شده‌اند (فارابی، ۱۹۹۱: ۴۵-۵۰؛ همو، ۱۳۸۴: ۷۳، ۷۹). تعمیم ریاست ثانیه از اوصافی که فارابی برای آن‌ها بیان کرده روشن است. حکمت، حفظ سنت رئیس اول، قدرت استنباط در مسائلی که شریعتی در خصوص آن‌ها باقی نمانده، قدرت استنباط در مسائل مستحدثه، زبان نافذ برای ارشاد جمهور و دعوت مردم، و نهایتاً توانمندی جسمی در رزم شش صفتی

است که برای روسای تابعه آمده است (فارابی، ۲۰۰۳: ۱۲۴ - ۱۲۵). توان استنباط در مسائل مختلف ویژگی فقها و مجتهدان به شمار می‌آید. نکته‌ای که مورد تأکید فارابی است این است که زمانی که یک نفر وجود نداشته باشد که جامع خصوصیات شش‌گانه باشد، ریاست مدینه فاضله بر دوش دو تا شش نفر قرار می‌گیرد. مثلاً اگر یک نفر حکیم و نفر دیگر جامع پنج صفت دیگر باشد، این دو تن ریاست را به دوش می‌گیرند. همچنین هرگاه اوصاف شش‌گانه در شش نفر مختلف تحقق داشته باشد و آن شش نفر هماهنگ باشند، ریاست مدینه فاضله بر عهده هر شش نفر قرار می‌گیرد که نامشان رؤسای افاضل است (همان: ۱۲۵-۱۲۶).

موضع دیگری که فارابی به تفصیل به حکومت و ریاست مدینه فاضله توجه کرده است، کتاب *فصول منتزعه* است. تفاوت این کتاب با کتاب *المله* این است که ریاست در اینجا به چهار گونه تقسیم شده، درحالی‌که در کتاب *المله* به دو گونه اولی و ثانیه تقسیم شده بود. چهار گونه رئیس و فرمانروا و حاکم عبارت است از یک- رئیس اول یا پادشاه و ملک حقیقی، دو- رؤسای اخیار و افاضل، سه- پادشاه یا ملک سنت، چهار- رؤسای سنت (فارابی، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۶). شرایط رئیس اول مشتمل بر حکمت، تعقل تام، قدرت بر اقناع و تخیل، جسم سالم و قوی است. البته بعضی از این ویژگی‌ها همان شرایط رئیس دوم کتاب *المله* است، لکن چون ویژگی قدرت بر استنباط احکام و نیز تبعیت از شریعت یا شرایع قبلی اینجا مطرح نشده، باید گفت رئیس اول و ملک یا پادشاه حقیقی *فصول منتزعه* پیامبر است. قدرت بر اقناع و تخیل در *آرای اهل مدینه فاضله* به‌عنوان خصوصیات نبی آمده است (فارابی، ۲۰۰۳: ۱۱۰، ۱۲۱).

هم از آنچه گذشت، هم از مواضع دیگری از آثار فارابی روشن می‌شود که وی پیامبر، رئیس اول و فیلسوف حقیقی را بر یک شخص اطلاق می‌کند. وی رئیس اول را تنها مصداق خاص مطلق و اخص خواص می‌داند (فارابی، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۶) و از دیگر سو، خاص مطلق را تنها قابل اطلاق بر فیلسوف مطلق می‌انگارد (فارابی، ۱۹۸۶: ۱۳۳-۱۳۴). درحالی‌که فیلسوف مطلق را همان رئیس اول (فارابی، ۱۳۸۴: ۶۸) و رئیس اول را همان پیامبر می‌داند (فارابی، ۱۹۹۱: ۴۴، ۶۴؛ همو، ۲۰۰۳: ۱۴۲).

نوع دوم حکومت در فصول متنزعه ریاست گروهی اخیار و افاضل است. اخیار و افاضل به جمعی گفته می‌شود که همراه باهم واجد خصوصیات ملک حقیقی باشند. چنین حکومتی مربوط به هنگامی است که شرایط رئیس اول در یک نفر موجود نیست. این ریاست گروهی متفاوت با ریاست گروهی مذکور در کتاب *آرای اهل مدینه فاضله* است. چون ریاست گروهی آنجا مربوط به ریاست انبیا نیست، اما در فصول متنزعه سخن هنوز در ریاست انبیاست و در حکومت قسم چهارم نوبت به ریاست گروهی غیرانبیا می‌رسد. می‌توان مثال به حضرت موسی و برادرش هارون آورد که موسی از خداوند خواست هارون را همراه وی مأموریت دهد (سوره قصص، آیات ۳۴ و ۳۵).

نوع سوم حکومت یعنی ریاست سنی به معنای حکومت کسی است که به سنن و شرایع حکام گذشته علم دارد و از توان تشخیص و به کار بستن آن سنن بر اساس اهداف رؤسای اول برخوردار است؛ همچنین قدرت استنباط اموری را که در سنن قبلی به آنها تصریح نشده دارد و این استنباط را دقیقاً طبق همان شرایع صورت می‌دهد. پادشاه یا ملک سنت در خصوص مسائل تازه نیز که در طول زمان حادث می‌شود و در زمان‌های گذشته وجود نداشته، از توان تفکر و تعقل برخوردار است. ویژگی دیگر ملک سنی قدرت و جودت اقناع و تخییل و قدرت جسمانی بر جهاد و رزم است.

چهارمین نوع حکومت در فصول متنزعه با عنوان رؤسای سنی مربوط به دورانی است که خصوصیات حاکم در یک نفر یافت نشود و در چند نفر پراکنده باشد (فارابی، ۱۳۸۲: ۵۵ و ۵۶) و این خصوصیات همان اوصافی است که برای رئیس ثانی در کتاب *المله* برای ریاست ثانی، تابعه یا سنی بیان شده است.

منابع مشروعیت قدرت سیاسی از نظام حکومتی که فارابی برای مدینه فاضله بیان می‌کند به دست می‌آید. از نظر فارابی منبع مشروعیت، اولاً و بالذات، وحی و نبوت است. البته این مشروعیت ثانیاً و بالعرض شامل سنت و اجتهاد نیز می‌شود. یعنی در زمان فقدان انبیا، کسانی که به سنت انبیا عمل کرده و قادر به اجتهاد بر اساس سنت انبیا هستند، حکومت را در دست می‌گیرند. در آثار فارابی سخنی از انتخابات و آرای مردم و مانند این‌ها به چشم نمی‌خورد. اما در طبقه دوم مدینه فاضله اصحاب هنر و رسانه قرار دارند که وحی

را در جامعه فاضله انتشار می‌دهند. مقصود از اصحاب هنر و رسانه، شاعران، سخنوران، آهنگسازان، نویسندگان و امثال آنان است که از نگاه فارابی بین حکومت و سایر اقشار جامعه قرار دارند (فارابی، ۱۳۸۲: ۵۵). به این ترتیب فارابی توجهی بنیادین به فرهنگ و انتشار وحی از طریق رسانه و هنر دارد.

## ۲. الگوهای فرهنگی - سیاسی بروس اکرم

مبنای کلی وحی می‌تواند اساس مورد پذیرش مشروعیت برای همه اصحاب ادیان ابراهیمی باقی بماند. ولی چگونگی اجرای این مبنا در نظریه فارابی پردازش نشده است. بعلاوه نظریات مشروعیت استیلای سیاسی نسبت به دوران فارابی اشکال متنوع و پیچیده‌تری به خود گرفته است. مشهورترین نظریات مشروعیت حکومت متعلق به ماکس وبر است. البته در اینجا قصد تکرار نظریه ماکس وبر را نداریم، بلکه بر آنیم جدیدترین نظریه، یعنی نظریه بروس اکرم را که متمرکز بر تحولات فرهنگی - سیاسی قرن بیستم و مشتمل بر نقد نظریه ماکس وبر است بررسی و با نظریه مشروعیت فارابی مقایسه کنیم.

اکرم نظریه خویش را در کنفرانسی (2018) با عنوان *Revolutionary Constitutionalism* یا *قانون اساسی‌گرایی انقلابی* و نیز در کتابی (2019) به همین نام ارائه نموده است. اکرم در مقدمه کتابش نظریه وبر را چنین تقریر می‌کند: "مشروعیت قدرت سیاسی از نظر وبر شامل سه‌گانه سنت،<sup>۱</sup> کاریزما<sup>۲</sup> و دیوان‌سالاری عقلانی<sup>۳</sup> است. ولی مشکل نظریه وبر این است که ویژگی‌های قانون اساسی‌گرایی را نمی‌تواند تمیز دهد" (Ackerman, 2019, Introduction). در واقع اکرم در صدد است در گونه‌های متنوع مشروعیت، به مذاقه پیرامون جایگاه قانون اساسی‌گرایی بپردازد؛ خصوصاً که در قرن بیستم تنوع در قانون اساسی‌گرایی نقش پررنگی در نظام‌های سیاسی ایفا کرده است. به این ترتیب اکرم تحقیق مبسوطی پیرامون قوانین اساسی انجام داده و الگویی برای قوانین اساسی متنوع در نظام‌های سیاسی و فرهنگ‌های مختلف ارائه داده است. به روز بودن و جامعیت تحقیقات اکرم تا اندازه‌ای است که شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از تدوین پیش‌نویس پیش از

<sup>1</sup> tradition

<sup>2</sup> charisma

<sup>3</sup> bureaucratic rationality

انقلاب اسلامی تا بازنگری‌های بعدازآن نیز می‌شود<sup>۱</sup> (Ackerman, 2019, Chapter 12). وی با تحلیل الگوهای شکل‌گیری قوانین اساسی در قرن بیستم، مدل‌های مشروعیت حکومت را بر اساس قوانین اساسی به دست می‌دهد. البته اکرمین نیز تا جایی همراه وبر است؛ یعنی به تعبیر خود اکرمین، سه نقشه راه یا سناریوی سنت، کاریزما و دیوان‌سالاری عقلانی را که قوانین اساسی در قاره‌های مختلف در قرن بیستم از طریق آن‌ها به مشروعیت نایل شده‌اند به رسمیت می‌شناسد. لکن ویژگی نظریه اکرمین، محوریت قوانین اساسی و قانون اساسی‌گرایی و نیز آسیب‌شناسی جریان‌های مختلف قانون اساسی‌گرایی، در فضاهای متنوع فرهنگی و سیاسی سراسر جهان است.

اکرمین تأکید دارد که در اتحادیه اروپا کشورهای مختلف از الگوهای فرهنگی-سیاسی و مسیرهای مختلفی به نظام‌های موجود خود دست‌یافته‌اند. به همین سبب، در حل بحران‌های آن، مانند خروج انگلیس از اتحادیه، نمی‌توان یک نسخه برای همه کشورها پیچید و باید به تنوع فرهنگی مثلاً اسپانیا و انگلیس و فرانسه توجه داشت. (Ackerman, 2019, Chapter 1) در میان مسیرهای مختلف، نقشه راه یا سناریوی اول این است که یک جریان انقلابی تلاش پیوسته‌ای را در پیش می‌گیرد تا مردم را در مقابل رژیم موجود به حرکت درآورد. این حرکات انقلابی در بیشتر موارد به سرکوب‌های خونین و تحکیم و تقویت وضع موجود<sup>۲</sup> منتهی می‌شود. البته در مواردی هم انقلابیون موفق می‌شوند رژیم موجود را از قدرت سیاسی کنار بزنند. اکرمین برای این سناریو به کشورهایی مانند ایران، فرانسه و آفریقای جنوبی مثال می‌زند. او به تفاوت‌های آشکار این کشورها اذعان دارد، اما در عین حال بر آن است که قوانین اساسی این ملت‌ها ریشه در این تجربه مشترک دارد که مبارزان انقلابی، سال‌ها مقاومتی علیه حکومت قبلی را مدیریت کرده و سرانجام به تفوق و برتری سیاسی دست‌یافته‌اند.

مرحله مبارزه نزد اکرمین مرحله نخست این سناریو نامیده شده است. در مرحله نخست

<sup>۱</sup> بروس اکرمین چهره نخست حقوق اساسی و استاد استرلینگ دانشگاه ییل Yale است و دانشگاه ییل سالها به صورت بلامنازع رتبه شماره یک دانشکده‌های حقوق جهان را در انحصار خود دارد. استاد استرلینگ لقبی است که دانشگاه ییل به استاد تمام خود می‌دهد و همزمان حداکثر چهل نفر به این جایگاه دست می‌یابند.

<sup>۲</sup> status quo



مبارزان صرفاً متکی به قدرت خشن علیه وضع موجود نیستند؛ بلکه رژیم موجود را به غیرقانونی و نامشروع بودن متهم می‌کنند و بدین‌وسیله هموطنان خود را دعوت به مقاومت علیه نظام موجود می‌کنند. درواقع اصولی که به شکل انقلابی اعلام می‌شود، نقش محوری در حفظ جریان انقلابی خصوصاً در دوران سختی و تهدید و نگرانی بازداشت و مرگ ایفا می‌کند. اعلامیه‌های انقلابیون مبنی بر نامشروع و غیرقانونی بودن رژیم حاکم و بیان اصولی که مورد قبول مبارزان است، زمینه را برای ساختن رژیم جدید به همراه یک قانون اساسی در مرحله دوم سناریوی نخست فراهم می‌آورد.

در واقع بعد از دوران پرانرژی مبارزه، آن انرژی بالای سیاسی می‌تواند به یک قانون اساسی ترجمه شود که از بازگشت به وضع بد گذشته ممانعت نماید و به مردم تضمین دهد که مبارزان اصولی را که در دوران سخت مبارزه در مرحله نخست اعلام می‌کردند، جامه عمل می‌پوشانند. اگرمن از نوشتن و شکل‌گیری این قانون اساسی به "کاریمای انقلابی را به قالب قانون اساسی درآوردن" یا "تبدیل کاریمای انقلابی به قانون اساسی" تعبیر می‌کند.<sup>۱</sup> البته لزوماً این اتفاق یعنی تدوین قانون اساسی رخ نمی‌دهد و چنین نیست که در مرحله دوم همه انقلاب‌ها قانون اساسی تدوین شود. اگرمن در آفت شناسی سناریوی اول می‌گوید گاهی دیکتاتورهای همچون لنین و مائو به دنبال این سناریو به حکومت می‌رسند. وی لنین و مائو را از آن حیث که قانون اساسی حزب کمونیست ابزار تبلیغاتی ترور استالینیستی-مائوئیستی بود، در نقطه مقابل رهبرانی چون نهرو، ماندلا و امام خمینی مثال می‌زند. اگرمن به‌عنوان مثال مثبتی برای سناریوی اول از انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بحث می‌کند واقعی بودن حق انتخاب مردم در انتخابات ریاست جمهوری در کشور ایران را مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌گوید تا وقتی حق انتخاب مردم حاکم است، من کشور ایران را دارای قانون اساسی و تابع قانون اساسی به شمار می‌آورم.

وی علاوه بر این، برای پاسخ به کسانی که نظام حکومتی ایران را دیکتاتوری می‌انگارند، مقایسه‌ای میان قانون اساسی ایران و ایالات متحده انجام می‌دهد وظیفه دو نهاد رهبری Supreme Leader در ایران و دادگاه عالی Supreme Court در ایالات متحده آمریکا

<sup>۱</sup> constitutionalization of revolutionary charisma

را مشابه می‌شمارد. اکرمین تأکید دارد قضات دیوان عالی ایالات متحده به شکل مادام‌العمر در استخدام حکومت امریکا هستند و ادعایشان آن است که از ارزش‌های بنیادین رژیم در برابر نهادهایی که با انتخاب مردم روی کار می‌آیند و شاید به ارزش‌ها آسیب برسانند، صیانت و حفاظت می‌کنند. وی می‌گوید به‌رحال نمی‌توان انکار کرد که ایران و ایالات متحده از یک خصوصیت مشترک برخوردارند و آن نظام استقلال قواست که محصول قانون اساسی است (Ackerman, 2019, Chapter 12).

بعد از نقشه راه یا سناریوی نخست که تولد قانون اساسی به دنبال انقلاب‌هاست، نوبت به نقشه راه دوم می‌رسد. مقصود اکرمین از سناریوی دوم، شرایطی است که حرکت‌های مردمی به دنبال تغییرات اساسی هستند؛ آنگاه جریانی از داخل نظام حاکم شروع به واگذاری امتیازات راهبردی و از این طریق مخالفان حکومت را به دو گروه تندرو معتدل تفکیک می‌کند. سپس از مخالفان معتدل و میانه‌رو دعوت می‌کند جریان تندرو را رها کرده در مدیریت کشور به جناح حاکم ملحق شوند. در واقع به این صورت، اصلاحاتی بنیادی شکل می‌گیرد که ضمن آن نظام حکومتی تجدید نیرو می‌کند. اکرمین به‌عنوان مثال پارادایمی این نقشه راه دوم، از بریتانیای کبیر در دوران جنگ‌های ناپلئون نام می‌برد که بر استرالیا، نیوزیلند و کانادا هم تأثیرگذار بوده است.

سناریوی سوم نظریه اکرمین که وی بر آن اصطلاح ساخت‌وساز نخبگانی<sup>۱</sup> را اطلاق می‌کند، از آنجا آغاز می‌شود که یک سیستم حکومتی از درون خودش شروع به از هم پاشیدن و اضمحلال می‌کند. در این سناریو، با حرکت‌های انقلابی مردم مواجه نیستیم، بلکه عامه مردم در قبال این تغییرات منفعل هستند.

اما نخبگان اجتماعی - فرهنگی - سیاسی که در نظام حکومتی به بازی گرفته نمی‌شدند، اینک از خلاء قدرت استفاده می‌کنند و آن‌ها هستند که نقش اصلی را در تأسیس قانون اساسی نوین بر عهده می‌گیرند. در قانون اساسی تازه، گاهی نخبگان نظام قبلی می‌توانند بخش قابل‌اعتنایی از قدرت را حفظ کنند گاه نمی‌توانند. مثال اکرمین برای سناریوی سوم، رژیم فالانژیست اسپانیا است که زمان مرگ فرانکو با بحران جانشینی روبرو می‌شود.

<sup>1</sup> elite construction

تفاوت سناریوی سوم با سناریوی اول آن است که در سناریوی سوم به خلاف سناریوی اول، انقلابی در کار نیست بلکه نخبگان اجتماعی - فرهنگی - سیاسی توسط اصلاحات قانون اساسی جدید و نظام حقوق اساسی نوین را ایجاد کرده‌اند.

تمایز سناریوی سوم با سناریوی دوم نیز این‌که در سناریوی سوم، حکومت موجود آن‌چنان با بحران روبرو می‌شود که حداکثر می‌تواند سهم اندکی از قدرت را برای خود حفظ کند. اما در سناریوی دوم، نظام حاکم به وسیله دادن امتیازات راهبردی به جریان مخالف، می‌تواند کنترل قدرت را در دست خود نگه دارد.

همچنین قوانین اساسی تدوین‌شده در سناریوی سوم، با اصلاحاتی است که صرفاً در اندازه امتیازدهی در سناریوی دوم رخ می‌دهد بسیار تفاوت دارد. البته قوانین اساسی نقشه راه سوم، اغلب از قوانین اساسی تشکیل شده در انقلاب‌های دیگر وام می‌گیرند.

نقطه ضعفی که در نظریه اکرمین به چشم می‌خورد، آن است که در میان‌همه تحولات فرهنگی - سیاسی، نظام‌هایی که با سناریوی نظامی به قدرت رسیده‌اند مغفول واقع شده است. البته شاید تمرکز وی بر تحولات غیرنظامی توجیهی برای این نقیصه باشد، اما به هر حال در طراحی نظریه جامعی که همه کشورهای جهان را پوشش دهد، نمی‌توان سناریوهای نظامی را نادیده انگاشت.

### نتیجه‌گیری

همانطور که ملاحظه شد، فارابی بر اساس الگویی دینی منشأ و منبع اصلی مشروعیت سیاسی را وحی قلمداد می‌کند و البته قایل به منبعی ثانوی است و آن را رفتار مطابق با سنت و اجتهاد مطابق با سنت انبیا می‌داند. به این ترتیب روشن است که وحی منبع اولی و ذاتی مشروعیت حکومت و استیلا سیاسی را منحصر در وحی می‌داند.

فارابی به اموری از سنخ انتخابات و مراجعه به آرای مردم نمی‌پردازد، اما اصحاب هنر و رسانه را در طبقه دوم جامعه فاضله قرار می‌دهد و به این ترتیب طریق انتشار وحی را شیوه‌های فرهنگی و هنری به شمار می‌آورد.

آرمان فارابی طرحی برای سازمان‌دهی مدینه فاضله، امت فاضله و معموره فاضله است. به همین سبب وی دیدگاهی دستوری و توصیه‌ای به مشروعیت دارد سایر قدرت‌ها، همچون

حکومت‌های مدینه‌های ضاله، جاهله یا فاسقه را فاقد مشروعیت تلقی می‌کند. به دیگر سخن نظریه فارابی ناظر به مقام تعریف است.

از طرف دیگر، الگوهای مشروعیت سیاسی بروس اکرمین مشتمل بر سه الگوست که همگی بر محور قانون اساسی استوارند. اکرمین در نقد نظریه سه‌گانه سنت، کاریزما، دیوان-سالاری عقلانی ماکس وبر، منبع مشروعیت در قرن بیستم را قانون اساسی‌گرایی در الگوهای سه‌گانه قلمداد می‌کند:

قانون اساسی‌گرایی انقلابی، قانون اساسی‌گرایی حاصل از اصلاحات داخل حکومت، قانون اساسی‌گرایی ناشی از ساخت‌وساز نخبگان فرهنگی - اجتماعی - سیاسی. ایران تحت الگوی قانون اساسی‌گرایی انقلابی در نظریه اکرمین یاد شده است.

اکرمین در حل بحران‌های معاصر مانند بحران خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، توجه به تفاوت‌های فرهنگی را ضروری می‌داند و بر آن است کشورهای مختلف فرهنگی تبعیت می‌کنند، با یک نسخه واحد از بحران‌ها نجات نمی‌یابند.

علت اساسی تفاوت فارابی و اکرمین، تفاوت روی آورد این دو است. اکرمین در واقع نگاهی توصیفی به مشروعیت دارد و بر اساس این نگاه توصیفی، به بررسی وضع موجود، یعنی تاریخ شکل‌گیری قدرت‌های سیاسی می‌پردازد. به تعبیر دیگر، نظریه اکرمین به مقام واقع اشعار دارد. اما فارابی نظر به مقام آرمان دارد و درباره مدینه، آن‌گونه که باید باشد، سخن می‌گوید.

## فهرست منابع:

قرآن کریم.

۱. شیخو، لوئیس و دیگران، (۱۹۸۵)، مقالات فلسفیه لمشاهیر المسلمین و النصراری، قاهره، دارالعرب، چاپ سوم.
۲. فارابی، ابونصر محمد بن محمد، (۲۰۰۳)، آراء اهل المدینه الفاضله ومضاداتها، مقدمه و شرح و تعلیق علی بوملحم، بیروت، دارالهلال.
۳. \_\_\_\_\_، احصاء العلوم، (۱۳۸۱)، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴)، تحصیل السعاده و التنبیه علی سبیل السعاده، ترجمه علی اکبر جابری مقدم، قم، دارالهدی.
۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۱)، التنبیه علی سبیل السعاده و التعليقات و رسالتان فلسفیتان، تحقیق جعفر آل یاسین، تهران، حکمت (چاپ افست).
۶. \_\_\_\_\_، (۱۹۸۶)، الحروف، مقدمه و تحقیق و تعلیق محسن مهدی، بیروت، دارالمشرق.
۷. \_\_\_\_\_، (۱۹۸۵)، رساله ابی نصر فی السیاسه، چاپ شده در: شیخو، لوئیس و دیگران، مقالات فلسفیه لمشاهیر المسلمین و النصراری، قاهره، دارالعرب، چاپ سوم.
۸. \_\_\_\_\_، (۱۹۳۸)، رساله فی العقل، بیروت، بی نا.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۶)، السیاسه المدنیه، تصحیح و ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، تهران، سروش.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، فصول منتزعه، تصحیح و ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، تهران، سروش.
۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۹۹۱)، کتاب المله و نصوص آخری، تصحیح محسن مهدی، بیروت، دارالمشرق، چاپ دوم.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۸)، المنطقیات، ج ۱، مقدمه و تحقیق محمدتقی دانش پژوه، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵)، موسیقی کبیر، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

## منابع انگلیسی:

14. Ackerman, Bruce, 2019, *Revolutionary Constitutionalism: Charismatic Leadership and the Rule of Law*, Cambridge, Harvard University Press.

- 
15. Ackerman, Bruce, Richard Albert, 2018, *Revolutionary Constitutionalism Conference*, New Haven, Yale Law School, August 24-25.

## **An Analysis of Theories of Political Legitimacy: Farabi vis-à-vis Bruce Ackerman**

Nadia Maftouni<sup>1</sup>

### **Abstract**

Farabi, in a normative perspective, considers Revelation the sole source of political legitimacy. However, as a positive analysis, constitutionalism occupies a pivotal position in Bruce Ackerman's theory of legitimacy. Seeking to avoid the failures of Max Weber's theory, which ascribes political legitimacy to tradition, charisma, and bureaucratic rationality, Ackerman argues that nowadays debates over the legitimacy of states revolve, rather, around their constitutions. The latest work of the contemporary authority on constitutional law is an extensive analysis of historical, political, and cultural events of the twentieth and twenty-first centuries in various countries that criticizes, complements, and extends Weber's classic work. This essay is an analysis of the role of the constitution of the Islamic Republic of Iran in Ackerman's tripartite model. After outlining the model, I will explain Iran's place therein. It is for the first time since the Islamic Revolution that the country commands attention in an academic work of such stature. The first ideal-type in Ackerman's theory is "revolutionary constitutionalism", while "the insider-establishment giving strategic concessions to moderate outsiders" constitutes the second, followed by a third "elite construction constitutionalism". For the first ideal-type, he cites the constitution of the Islamic Republic of Iran alongside such countries as France, Italy, India, and South Africa. Whereas Mao's and Stalin's experience serve as negative instances of the ideal-type, Iranian system exemplifies positive revolutionary constitutionalism as well as democracy. For Ackerman, the Iranian constitutional system has, after more than four decades, stood the test of time.

**Keywords:** Farabi, Bruce Ackerman, revolutionary constitutionalism, cultural-political legitimacy, religious legitimacy.

---

<sup>1</sup> .Lecturer of Tehran university. [nadia.maftouni@ut.ac.ir](mailto:nadia.maftouni@ut.ac.ir)